

درآمدی بر جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم: ماهیت و شیوه‌های ارتکاب*

□ مرتضی عارفی^۱

چکیده

مقابله با تروریسم و اشکال گوناگون آن، نیازمند سیاست جنایی جامع و منسجمی است که بخشی از آن در حوزه مقابله با تأمین مالی تروریسم انجام می‌شود. این مقابله به دو شیوه گنشی و واکنشی قابل انجام است. در شیوه گنشی، تدابیر و اقدامات پیشگیرانه، محور سیاست جنایی قرار می‌گیرد و در مقام واکنش، جرم‌انگاری و کیفرگذاری تأمین مالی تروریسم مدنظر است.

این مقاله با تمرکز بر ارکان قانونی، مادی و معنوی جرم تأمین مالی تروریسم، در صدد است تا ضمن موشکافی اجزاء و عناصر این سه رکن، نقیصه‌ها و خلأهای قانون‌گذار در قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم را در پرتو اسناد بین‌المللی و قوانین برخی کشورها تشریح کند.

عدم پیش‌بینی مراودات مالی و تجاری با افراد یا گروه‌های تروریستی به عنوان رفتار فیزیکی، غفلت از بیان «امتیازات مالی»، «خدمات مالی» و ارزهای مجازی

به عنوان موضوع این جرم، و عدم پیش‌بینی «بی احتیاطی» به عنوان رکن معنوی لازم برای تحقق این جرم، از جمله نقایصی است که در زمان بازنگری این قانون، ضروری است که مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: تأمین مالی، تروریسم، جرم‌انگاری، عنصر مادی، قصد مجرمانه.

مقدمه

تروریسم به عنوان جرمی که به امنیت ملی و بین‌المللی کشورها لطمه وارد می‌کند، سال‌هاست که مورد توجه نظام بین‌الملل، حقوق و قوانین داخلی کشورها قرار گرفته و در مواردی نیز جرم‌انگاری شده است. با وجود اهتمام سازمان ملل و قاطبه کشورها برای مقابله با تروریسم، انسداد شریان حیاتی تروریست‌ها و منابعی که آن‌ها را حمایت مالی و اقتصادی می‌کنند، موضوعی است که بیشتر در ربع قرن اخیر و به ویژه پس از وقایع ۱۱ سپتامبر از سوی جامعه جهانی مورد تأکید قرار گرفته است (Freeman, 2017: 5). برخی منابع بیان داشته‌اند که هزینه عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر، بالغ بر پانصد تا ششصد هزار دلار بوده که از کشور امارات متحده عربی برای تروریست‌ها در آمریکا ارسال شده و در ۲۴ حساب بانکی متفاوت در جریان بوده است (زرزنان و زندی، ۱۳۹۹: ۱۹۴).

تأمین مالی تروریسم، جرمی مانع محسوب می‌شود که با هدف خشکاندن ریشه‌های حیات تروریست توأمان با ابزار حقوقی و پیشگیرانه، در صدد مقابله با تروریسم و اعمال تروریستی است. ضرورت جرم‌انگاری تأمین مالی اعمال تروریستی و تروریست‌ها، الزامی است که در «کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم»^۱ مصوب ۱۹۹۹ و قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد مصوب ۲۰۰۱ (طیبی‌فرد، ۱۳۸۴: ۲۷۱) و همچنین توصیه‌های گروه اقدام مالی (زارع قاجاری و قائم‌مقامی، ۱۳۹۲: ۲۳)، بر آن تأکید شده است.

1. International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism, 1999.

زین پس در متن مقاله، از کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم، به اختصار «کنوانسیون» یاد می‌شود. قابل ذکر است از آنجا که در *دایرةالمعارف کمبریج*، واژه suppression هم به معنای پیشگیری از وقوع یک رویداد و هم خاتمه دادن به چیزی با اجبار است، از این رو هر دو واژه «مبارزه» و «سرکوب» می‌توانند به عنوان معادل فارسی واژه فوق استفاده شوند.

جمهوری اسلامی ایران نیز به رغم آنکه به این کنوانسیون ملحق نشده،^۱ لیکن قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم را تحت فشار نهادهای مالی و بانکی بین‌المللی (اسفندیار، ۱۳۹۷: ۱۲۸؛ جعفری و کشوری، ۱۳۹۶: ۷۹) دیر هنگام در سال ۱۳۹۴ تصویب کرد.

در واقع جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم، قطعه‌ای کوچک اما مهم از پازلِ مقابله با تروریسم و در زمره ابزارهای کیفری در چارچوب نظام حقوقی است که ضرورت دارد ماهیت، رفتار فیزیکی و قصد مجرمانه این جرم به دقت مورد تحلیل قرار گیرد.

آثار پژوهشی نسبتاً متعددی در خصوص تأمین مالی تروریسم نوشته شده است؛^۳ لیکن وجه تمایز این مقاله که در حوزه حقوق جزای اختصاصی به رشته تحریر درآمده، تحلیل ارکان این جرم نوظهور است. به دیگر سخن، با عنایت به آنکه این جرم در چند سال اخیر، وارد زرادخانه نظام عدالت کیفری ایران شده است، تجزیه و تحلیل ارکان اختصاصی این جرم و رفع ابهامات و تبیین نواقص و ایرادات، از جمله اهداف نگارش این مقاله است. بر این اساس، مقاله حاضر در مقام پاسخ به سؤالات زیر است: چه رفتارهایی به عنوان رفتار فیزیکی در قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ با اصلاحات ۱۳۹۷

۱. تا ژانویه سال ۲۰۱۸ میلادی، ۱۸۸ کشور جهان به این کنوانسیون پیوسته‌اند (مؤمنی، جلالی و صمدی، ۱۳۹۶: ۶۱۰).

۲. قابل ذکر است که در بندهای پ و ث ماده ۳، بندهای ۱، ۳ و ۴ ماده ۴ «قانون مقابله با نقض حقوق بشر و اقدامات ماجراجویانه و تروریستی آمریکا در منطقه» مصوب ۱۳۹۶/۰۵/۲۲ به تأمین مالی گروه‌های تروریستی از سوی آمریکا اشاره شده و به موجب تبصره ۲ ماده ۴، هر گونه همکاری با دولت و نیروی نظامی و اطلاعاتی آمریکا در جرائم تروریستی، مستوجب محکومیت به مجازات مقرر در ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ دانسته شده است.

۳. در حوزه سیاست جنایی، حاجی ده‌آبادی و خاتمی (۱۳۹۷) به بررسی سیاست جنایی ایران در قبال جرم تأمین مالی تروریسم پرداخته‌اند. شمس‌ناتری و اسلامی (۱۳۹۴) تمایز جرم پولشویی و تأمین مالی تروریسم را مورد بررسی قرار داده و الگوهای جدید تأمین مالی را بیان کرده‌اند. دبیرزاده، حاجی ده‌آبادی و پوربافرانی (۱۳۹۹) مشترکات و وجه تمایز نظام حقوقی ایران و افغانستان را در این خصوص ارزیابی کرده‌اند. حاتمی و رضایی (۱۳۹۸) شیوه‌های تأمین منابع مالی دو گروه تروریستی القاعده و داعش را مورد مطالعه تطبیقی قرار داده و الهویی نظری و فامیل زوار جلالی (۱۳۹۶) به مسئولیت بین‌المللی دولت‌های تأمین‌کننده مالی تروریست‌ها پرداخته‌اند.

همچنین دو پایان‌نامه با عناوین «مقابله با تأمین مالی تروریسم در حقوق کیفری ایران» (اسفندیار، ۱۳۹۷) و «همچنین تحلیل حقوقی جرم‌شناختی قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم (بدخش، ۱۳۹۷) به صورت مختصر به شرح برخی از مواد قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم پرداخته‌اند.

پیش‌بینی شده است؟ این جرم در زمره جرایم مطلق است یا مقید؟ ساده است یا مرکب؟ آنی است یا مستمر؟ برای تحقق آن صرف سوء نیت عام کافی است یا آنکه سوء نیت خاص نیز ضروری است. در این چارچوب، مطالب در سه قسمت اصلی: ۱. جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم، ۲. شیوه‌های ارتکاب، ۳. قصد مجرمانه، به شیوه تطبیق با اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی دو کشور ایالات متحده و استرالیا مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱. جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم؛ رکن قانونی

جرم‌انگاری تصمیم مرجع صلاحیت‌دار در تعیین اعلام ممنوعیت یا الزام آور بودن انجام یک رفتار است که انجام یا ترک آن با ضمانت اجرای کیفری همراه است. مطابق بند ۱ قطعنامه شورای امنیت، کلیه کشورها مکلف شده‌اند تا از تأمین مالی اعمال تروریستی در قلمرو حاکمیتی خود پیشگیری و با آن مبارزه کنند و ارائه و جمع‌آوری عمدی وجوه به طور مستقیم یا غیر مستقیم به هر وسیله با قصد یا با علم به اینکه صرف اعمال تروریستی شود را جرم محسوب کنند (بدخش، ۱۳۹۷: ۶۲). در این راستا، ماده ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم بیان می‌دارد:

«تهیه یا جمع‌آوری وجوه یا اموال به هر طریق، چه دارای منشأ قانونی باشد یا نباشد و یا مصرف تمام یا بخشی از منابع مالی حاصله از قبیل قاچاق ارز، جلب کمک‌های مالی و پولی، اعانه، انتقال پول، خرید و فروش اوراق مالی و اعتباری، افتتاح مستقیم یا غیر مستقیم حساب یا تأمین اعتبار یا انجام هر گونه فعالیت اقتصادی اشخاص توسط خود یا دیگری برای انجام اعمال زیر^۱ یا جهت ارائه به افراد تروریست یا

۱. اعمال تروریستی در چهار بند به شرح ذیل در ماده ۱ تبیین شده‌اند:

الف) ارتکاب یا تهدید به ارتکاب هر گونه اقدام خشونت‌آمیز از قبیل قتل، سوء قصد، اقدام خشونت‌آمیز منجر به آسیب جسمانی شدید که دیه آن بیش از یک‌سوم دیه کامل باشد، توقیف غیرقانونی و گروگان‌گیری اشخاص و یا اقدام خشونت‌آمیز آگاهانه علیه مردم یا به مخاطره انداختن جان یا آزادی آن‌ها به قصد تأثیرگذاری بر خط‌مشی، تصمیمات و اقدامات دولت جمهوری اسلامی ایران، سایر کشورها و یا سازمان‌های بین‌المللی.

ب) ارتکاب اعمال زیر با مقاصد مذکور در بند الف:

۱- خرابکاری در اموال و تأسیسات عمومی دولتی و غیر دولتی،
 ۲- ایراد خسارت شدید به محیط زیست از قبیل مسموم کردن آب‌ها و آتش زدن جنگل‌ها،
 ۳- تولید، تملک، اکتساب، انتقال، حمل، نگهداری، توسعه یا انباشت غیر قانونی، سرقت، تحصیل متقابلانه و قاچاق سموم، عناصر و مواد هسته‌ای، شیمیایی، میکروبی و زیست‌شناسی (بیولوژیک)، ←

سازمان‌های تروریستی، تأمین مالی تروریسم است و جرم محسوب می‌شود».

در ذیل، طُرُق ارتکاب این جرم، قصد مجرمانه و موضوعات مرتبط همچون بحث شروع به جرم، به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۲. شیوه‌های ارتکاب

تأمین مالی تروریسم به شیوه‌های گوناگونی قابل انجام است که قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم در مقایسه با اسناد بین‌المللی، به تفصیل آن‌ها را پیش‌بینی نموده است. در بحث از شیوه ارتکاب یا رکن مادی، افزون بر رفتار مجرمانه، موضوع، رابطه سببیت، نتیجه، وسیله، زمان و مکان ارتکاب جرم و همچنین شخصیت بزه‌کار و بزه‌دیده نیز مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. از آنجا که در جرم تأمین مالی تروریسم، مواردی همچون وسیله، زمان، مکان، شخصیت بزه‌کار و بزه‌دیده، تأثیری در تحقق این جرم

→ ۴- تولید، تهیه، خرید و فروش و استفاده غیر قانونی و قاچاق مواد منفجره، اسلحه و مهمات.

پ) ارتکاب اعمال زیر صرف نظر از انگیزه مرتکب و نتیجه حاصله:

۱- اعمال خطرناک علیه ایمنی هواپیما یا هوانوردی،

۲- تصرف هواپیمای در حال پرواز و اعمال کنترل غیر قانونی بر آن،

۳- ارتکاب خشونت علیه مسافرا یا مسافران و خدمه هواپیما یا اعمال خطرناک علیه اموال موجود در

هواپیمای در حال پرواز،

۴- تولید، تملک، اکتساب، انتقال، حمل، نگهداری، توسعه یا انباشت، غنی‌سازی و انفجار

غیر قانونی، سرقت، تحصیل متقلبانه و قاچاق عناصر و یا مواد هسته‌ای به میزان غیر قابل توجیه برای

اهداف درمانی، علمی و صلح‌آمیز،

۵- تولید، تملک، اکتساب، انتقال، سرقت، تحصیل متقلبانه، قاچاق، حمل، نگهداری، توسعه یا انباشت

و استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی، میکروبی و زیست‌شناسی (بیولوژیک)،

۶- دزدی دریایی، تصرف غیر قانونی کشتی و یا اعمال کنترل غیر قانونی بر آن و یا به خطر انداختن

ایمنی کشتیرانی از طریق ارائه آگاهانه اطلاعات نادرست یا تخریب و وارد کردن آسیب شدید به کشتی،

محموله و خدمه یا مسافران آن،

۷- تصرف یا کنترل غیر قانونی سکوها یا تأسیسات مستقر در مناطق دریایی، ارتکاب اعمال خشونت‌بار

علیه افراد حاضر در آن‌ها و هر گونه اقدام برای تخریب یا صدمه به این سکوها یا تأسیسات به قصد ایجاد

خطر برای ایمنی این مناطق،

۸- بمب‌گذاری در اماکن عمومی، تأسیسات دولتی، شبکه حمل و نقل عمومی یا تأسیسات زیرساختی.

ت) ارتکاب جرائمی که به موجب قوانین داخلی یا کنوانسیون‌های بین‌المللی، جرم تروریستی

شناخته شده؛ در صورت الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به آن‌ها.

ندارد، لذا در ادامه طی سه بند صرفاً به رفتار مجرمانه، موضوع و نتیجه پرداخته می‌شود.

۱-۲. رفتار مجرمانه

قانون‌گذار در ماده ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم، «تهیه» یا «جمع‌آوری» وجوه و اموال، «مصرف» منابع مالی و همچنین «تأمین اعتبار» و «انجام هر گونه فعالیت اقتصادی» اشخاص به طور مستقیم یا غیر مستقیم به قصد انجام اعمال تروریستی مذکور در بندهای الف تا ت یا با قصد ارائه به افراد یا گروه‌های تروریستی را به عنوان رفتار محسوب کرده است.

۱-۱-۲. تهیه یا جمع‌آوری

«تهیه» یا «جمع‌آوری» وجوه و اموال، دو رفتاری هستند که در پیوند با موضوع و عنصر روانی، تأمین مالی تروریسم محسوب می‌شوند. با مذاقه در این واژگان مشخص می‌شود که هیچ کدام از آنها اصلاحات حقوقی نیستند و در قانون و آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۹۶ نیز تعریفی از آنها ارائه نشده است. از این رو برای فهم منظور قانون‌گذار، رجوع به معنای لغوی و همچنین اسناد بین‌المللی و قوانین دیگر کشورها اجتناب‌ناپذیر است. «تهیه/فراهم آوردن»^۱ و «جمع‌آوری»^۲ دو رفتار فیزیکی هستند که در ماده ۲ کنوانسیون به کار رفته‌اند (Gottselig & Gleason, 2003: 7). در ایالات متحده آمریکا نیز در بخش مربوط به «جرایم و دادرسی کیفری»^۳ و در قسمتی با عنوان «ممنوعیت‌ها در قبال تأمین مالی تروریسم»،^۴ تأمین مالی تروریسم با تأکید بر این دو رفتار (تهیه، جمع‌آوری) و به این نحو تعریف شده است:

«هر کس به هر وسیله مستقیم یا غیر مستقیم، به طور غیر قانونی و عامدانه، وجوهی را تهیه یا جمع‌آوری کند، با این قصد که چنین وجوهی تماماً یا جزئاً در جهت اعمال تروریستی مورد استفاده قرار گیرد، یا با علم به آنکه این وجوه در جهت اجرای اعمال تروریستی صرف خواهد شد، به شرح ذیل مجازات می‌شود».

1. Provide.
2. Collect.
3. Crimes and criminal procedure.
4. Prohibitions against the financing of terrorism.

واژه اول (provide) در *دایرةالمعارف کمبریج*، معادل «دادن» و «ارائه دادن» آمده و به معنای «دادن چیزی به کسی یا قابل استفاده کردن آن» ذکر شده است. جمع‌آوری نیز به معنای «تقاضای پول از دیگران با مقاصد گوناگون از جمله قصد کمک به خیریه، اخذ پول تحت عنوان مالیات، حق اشتراک، اجاره بها و...» بیان شده است. در مجموعه قوانین ایالات متحده آمریکا و در بخش تعاریف مربوط به جرم تأمین مالی تروریسم، provide به معنای دادن، بخشیدن و انتقال دادن^۱ و جمع‌آوری نیز در معنای جمع‌آوری پول به منظور خاص و دریافت کردن آن معنا شده است.^۲

بر این اساس می‌توان گفت «تهیه» به معنای هر گونه رفتاری است که منجر به تملک یا تصرف در وجوه یا اموال شود، فارغ از آنکه نحوه تملک یا تصرف، قانونی بوده است یا نه؛ با این توضیح که فروش یک قطعه زمین و ارائه وجه آن به افراد تروریست یا سرقت یک خودرو و قرار دادن آن در اختیار افراد تروریست، مصداق «تهیه» است. همچنین فراخوان جهت جلب کمک‌های مردمی برای کمک به زلزله‌زدگان و در ادامه، ارائه آن‌ها به افراد تروریست، مصداق «جمع‌آوری» است.

برخی نویسندگان، وجه تمایز «تهیه» و «جمع‌آوری» را این گونه بیان کرده‌اند که مراد از تهیه وجوه این است که وجوه، در دسترس و اختیار تروریست‌ها قرار داده شود؛ در حالی که جمع‌آوری وجوه به معنای تمرکز وجوه است، بدون اینکه این وجوه لزوماً به صورت بالفعل در اختیار تروریست‌ها قرار گیرند (عسگری مروت و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴۰). به نقل از: اسلامی، ۱۳۹۵: ۲۰۸. به نظر می‌رسد با عنایت به تعریف لغوی این دو واژه که پیشتر اشاره شد و همچنین مطلق بودن جرایم موضوع این ماده که تبصره ۱ ماده ۱ قانون و آساند بین‌المللی و قوانین برخی کشورها از جمله ایالات متحده آمریکا^۳ به صراحت به آن اشاره می‌کند، این تمایز میان تهیه و جمع‌آوری صحیح نباشد. در واقع سرقت وجه یا ارز از بانک به منظور ارائه به افراد تروریست را می‌توان مصداق «تهیه»، و

1. The term “provides” includes giving, donating, and transmitting: (4) Definitions (e).

2. The term “collects” includes raising and receiving: (5) Definitions (e).

۳. در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا و در قسمت مربوط به «ممنوعیت‌ها در قبال تأمین مالی تروریسم» بیان شده است که صرف تهیه یا جمع‌آوری وجوه کافی است و ضرورت ندارد که این وجوه در عمل مورد استفاده قرار گیرند.

فراخوان کمک به یک گروه خیریه اما به قصد ارائه به تروریست‌ها را مضمون «جمع‌آوری» دانست، بی‌آنکه ضرورت داشته باشد که این وجوه و اموال عملاً در اختیار افراد تروریست نیز قرار گیرد.

مطابق گزارش کارگروه ویژه اقدام مالی (فتف)^۱ گروه‌های تروریستی عمدتاً از سازمان‌های خیریه مستقر در مناطق پرخطر و کمتر توسعه‌یافته برای پیشبرد اهداف خود و جذب منابع مالی استفاده می‌کنند؛ چرا که این سازمان‌ها معمولاً مکلف به تبعیت از الزامات قانونی و خاص شرکت‌های تجاری و مؤسسات مالی و اعتباری نیستند (Biersteker & Eckert, 2007: 206). از سوی دیگر، خیریه‌ها به واسطه آنکه می‌توانند اعتماد شهروندان را به راحتی جلب کنند، به منابع قابل توجهی دسترسی دارند و در بسیاری موارد به صورت نقدی فعالیت می‌کنند، منبع تغذیه ایمن و مناسبی برای تأمین مالی گروه‌های تروریستی هستند؛ برای نمونه، «سازمان بین‌المللی خیریه اسلامی»^۲ که مرکز آن در جده عربستان است و بیشتر فعالیت‌های آن به برنامه‌های مذهبی، آموزشی، اجتماعی و انسانی اختصاص یافته است، در عمل، آگاهانه یا ناآگاهانه، به گروه القاعده کمک مالی می‌کرد (الهبوی نظری و فامیل زوار جلالی، ۱۳۹۶: ۷۲۸). در واقع یکی از اصلی‌ترین منابع درآمدی گروه تروریستی القاعده، مؤسسات خیریه است. پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، ارتباط میان سازمان‌های خیریه اسلامی و القاعده مورد توجه قرار گرفت. مطابق برخی بررسی‌ها، القاعده در سال‌های اوج فعالیت خود حداقل در یک‌پنجم از خیریه‌های اسلامی مستقر در انگلستان، ولز و هلند نفوذ کرده بود (حاتمی و رضایی، ۱۳۹۸: ۴۸۰).

در این راستا و به منظور مقابله با تأمین مالی تروریسم از طریق جمع‌آوری وجوه از مؤسسات خیریه، آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم در بند ج ماده ۱، اشخاص مشمول این آیین‌نامه را کلیه اشخاص حقیقی یا حقوقی موضوع مواد ۵ و ۶ قانون مبارزه با پولشویی از جمله مؤسسات غیر انتفاعی و خیریه می‌داند و در ماده ۲۰ آیین‌نامه تصریح می‌دارد:

1. Financial Action Task Force (FATF).
2. International Islamic Relief Organization.

«شورای عالی مبارزه با پولشویی» باید تدابیری اتخاذ نماید که امکان سوءاستفاده از سازمان‌های غیر انتفاعی و خیریه و یا امکان فعالیت در قالب خیریه و مؤسسات غیرانتفاعی برای تأمین مالی تروریسم به وجود نیاید».

۲-۱-۲. مصرف

«مصرف» منابع مالی از قبیل قاچاق ارز، جلب کمک‌های مالی و پولی، اعانه، انتقال پول، خرید و فروش اوراق مالی و اعتباری، افتتاح حساب و منابع مالی دیگر همچون فروش اموال منقول و غیر منقول، تبدیل ارز و... با قصد ارائه به افراد تروریست یا انجام رفتارهای تروریستی مذکور در بندهای الف تا ت ماده ۱، دیگر رفتار مجرمانه‌ای است که در قانون ذکر شده است. این واژه در اسناد بین‌المللی مرتبط و قوانین داخلی کشورها نظیری ندارد و در قانون و آیین‌نامه اجرایی آن نیز تعریفی از آن ارائه نشده است. لذا مقصود قانون‌گذار از کاربرد این واژه مبهم است.

در اولین نسخه تهیه‌شده از لایحه مبارزه با تأمین مالی تروریسم که در سال ۱۳۸۹ به مجلس شورای اسلامی ارائه شده بود، «مصرف» در زمره سوءنیت خاص بود و جرم تأمین مالی تروریسم به این نحو تعریف شده بود:

«هر کس به هر وسیله، مستقیم یا غیر مستقیم به طور غیر قانونی، وجوهی را به قصد آنکه تمام یا بخشی از آن برای انجام موارد زیر به مصرف برسد یا با علم و اطلاع از اینکه قرار است در جهت انجام این موارد مصرف شود، تهیه یا جمع‌آوری نماید...».

اما با تصویب نهایی قانون و ذکر واژه «مصرف» به عنوان رفتار فیزیکی باید گفت آنچه از معنای لغوی «مصرف کردن» به ذهن متبادر می‌شود، استفاده و یا صرف کردن است و به نظر می‌رسد که مقصود از آن، استفاده از منابع مالی یا هزینه‌کرد آن در راه ارتکاب اعمال تروریستی یا جهت ارائه به افراد تروریست است. با عنایت به تفسیری که از این واژه ارائه شد، سؤالی که مطرح می‌شود آن است که «مصرف کردن»، چه خصوصیت و ویژگی‌ای دارد که مستقلاً از سوی قانون‌گذار بیان شده است؟ به دیگر سخن، با وجود پیش‌بینی رفتار «تهیه» و «جمع‌آوری» وجوه و اموال، «مصرف» منابع مالی جهت ارائه به افراد تروریست چه ضرورتی دارد؟ مصرف منابع حاصل از قاچاق ارز جهت ارائه به افراد تروریست، چه تمایزی با «تهیه» وجوه جهت ارائه به افراد تروریست

دارد؟ وقتی قانون‌گذار خود به صراحت و با کاربرد قید «به هر طریق» در سطر اول ماده ۱، عدم موضوعیت وسیله را مورد اشاره قرار می‌دهد، چه تفاوتی می‌کند که تهیه وجه، حاصل از فروش یک جواهر گران‌قیمت باشد یا در نتیجه قاچاق ارز؟ به ویژه آنکه تعریفی که از وجوه در آیین‌نامه اجرایی قانون و کنوانسیون ارائه شده، شامل ارز نیز می‌شود.

افزون بر آن، «جمع‌آوری» وجوه چه تفاوتی با «مصرف» کمک‌های مالی دارد؟

به نظر می‌رسد علت اینکه قانون‌گذار، «مصرف کردن» را به طور مستقل جرم محسوب کرده، برای جلوگیری از بی‌کیفرمانی شخص مصرف‌کننده و ناظر به مواردی است که مرتکب رفتار «تهیه» و «مصرف»، دو شخص باشند. به دیگر سخن، هرچند در برخی مصادیق - به ویژه مواردی که فاعل رفتار «تهیه» و «مصرف»، یک شخص واحد است - مصرف کردن رفتاری است که پیش از آن جمع‌آوری یا تهیه نیز انجام شده است، لیکن علت پیش‌بینی مستقل «مصرف»، مربوط به مواردی است که مثلاً شخصی کالاهایی را از طریق قاچاق وارد کشور می‌کند و بعد در اختیار دیگری قرار می‌دهد تا وی با هزینه کرد آن، به افراد تروریست یاری رساند. در این فرض اگر مصرف کردن به طور مستقل جرم‌انگاری نشده باشد، امکان تعقیب کیفری شخص دوم تحت عنوان تأمین مالی تروریسم وجود ندارد، چون وی هیچ‌یک از دو رفتار تهیه یا جمع‌آوری را انجام نداده است؛ اما در این فرض که با تبدیل کالا به وجوه، آن را صرف اهداف و برنامه‌های گروه‌های تروریستی می‌کند، مرتکب رفتار «مصرف» شده است. بر این اساس، خروج ارز از کشور به میزانی فراتر از مقدار پیش‌بینی شده در «دستورالعمل اجرایی بانک مرکزی ناظر بر ارز همراه مسافر» به قصد ارائه به افراد تروریست در خارج از کشور مطابق بند الف ماده ۱ و بند خ ماده ۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، مصداق قاچاق ارز و همچنین تهیه وجوه است. حال چنانچه این شخص پس از خروج، وجوه را به ارز کشور مقصد تبدیل و در راه انجام اقدامات تروریستی یا به قصد ارائه به افراد تروریست استفاده کند یا آن را به حساب سپرده یک فرد تروریست واریز کند، شخص اخیرالذکر، مرتکب جرم تأمین مالی تروریسم از طریق مصرف ارز شده است؛ چون این وجوه را به استفاده افراد تروریست رسانده است.

همچنین قانون‌گذار در ماده ۱، نفس فعل «مصرف کردن» را مدّ نظر دارد، فارغ از

آنکه رفتار پیش از مصرف کردن جنبه مجرمانه دارد یا خیر؛ مانند قاچاق ارز که خود جرمی است مستقل یا جلب کمک که فاقد وصف مجرمانه است.

۳-۱-۲. تأمین اعتبار

تأمین اعتبار، رفتار دیگری است که در ماده ۱ بیان شده است. مقصود از تأمین اعتبار آن است که الف با سپردن مال یا وجهی به عنوان تضمین یا با ارائه کارت بازرگانی، زمینه ارائه تسهیلات به شخص ب را فراهم کند. در واقع در این خصوص، منابع مالی مستقیماً از سوی مرتکب در اختیار افراد تروریست قرار نمی‌گیرد؛ بلکه این امر به شیوه غیر مستقیم انجام می‌شود. بر این اساس، فراهم کردن زمینه دریافت وام یا صدور ضمانت‌نامه بانکی، از جمله مصادیق تأمین اعتبار است.

۴-۱-۲. فعالیت اقتصادی

قانون‌گذار در ماده ۱، انجام هر گونه فعالیت اقتصادی توسط خود شخص یا دیگری را به عنوان تأمین مالی تروریسم محسوب کرده است. ابهامی که در این خصوص وجود دارد آن است که نخست منظور از «فعالیت اقتصادی» چیست؟ آیا مقصود از آن، فعالیت یا معاملات تجاری مذکور در ماده ۲ قانون تجارت است یا معنایی عام‌تر مدنظر است؟ به نظر نمی‌رسد قانون‌گذار در تبیین این عبارت، التفاتی به مقررات قانون تجارت داشته باشد؛ هر چند مصادیق مذکور در آن قانون، شامل فعالیت اقتصادی می‌شود. در واقع به نظر می‌رسد که نسبت میان «فعالیت اقتصادی» و «فعالیت تجاری» از میان نسب اربعه، رابطه عموم و خصوص مطلق است و گستره شمول فعالیت اقتصادی، عام‌تر از فعالیت تجاری است.

نکته دیگری که در این رابطه وجود دارد آن است که با توجه به واژه فعالیت در عبارت «فعالیت اقتصادی»، نوعی استمرار در انجام فعالیت اقتصادی شرط است. شاید بتوان گفت به قرینه ماده ۱ قانون تجارت که تاجر را شخصی می‌داند که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار می‌دهد، فعال اقتصادی نیز در این قانون فردی است که شغل معمول خود را فعالیت اقتصادی قرار می‌دهد.

ابهام دیگر آن است که چگونه انجام فعالیت اقتصادی با قصد ارائه به افراد تروریست

تأمین مالی محسوب می‌شود؟ برای نمونه، مالک یک کارخانه تولید لوازم خانگی، حتی اگر قصد تأمین مالی تروریست‌ها را داشته باشد، باید این کالاها را به وجه تبدیل کند تا عملاً مورد استفاده یک گروه تروریستی قرار گیرد. به دیگر سخن، نفس فعالیت اقتصادی که قابل استفاده در ارتکاب اعمال تروریستی یا ارائه به افراد تروریست نیست، بلکه وجوه حاصل از این فعالیت‌ها قابل ارائه است. لذا به نظر می‌رسد منظور قانون‌گذار از پیش‌بینی این رفتار، انجام فعالیت‌های اقتصادی با این نیت است که وجوه حاصل از این فعالیت‌ها در اختیار افراد تروریست قرار گیرد. اگر این تفسیر را بپذیریم، آنگاه این سؤال مطرح می‌شود که تفاوت این مورد با «تهیه وجوه» در چیست؟ چه ضرورتی داشت که قانون‌گذار این رفتار را مستقلاً پیش‌بینی کند؟ به نظر می‌رسد به رغم آنکه قانون‌گذار در صدر ماده ۱ بر عدم موضوعیت وسیله تأکید داشته است، با وجود این تلاش کرده است برخی مصادیق مانند انجام فعالیت اقتصادی را از باب تأکید، مورد توجه قرار دهد.

علت پیش‌بینی این رفتار از سوی قانون‌گذار آن است که در مواردی، درآمدهای حاصل از فعالیت‌های مشروع تولیدی، خدماتی و تجاری به عنوان منبع تأمین مالی تروریسم محسوب می‌شود. در واقع به نظر می‌رسد گاه درآمدهای حاصل از فعالیت‌های مشروع همچون شرکت‌های خدماتی و تجارت، صرف تأمین بودجه فعالیت‌های تروریستی می‌شود.

به رغم گستره نسبتاً وسیع رفتارهای فیزیکی مذکور و با عنایت به اصل قانونی بودن جرم باید گفت که رفتارهایی همچون دادوستد و معامله با افراد یا گروه‌های تروریستی - جز در فرضی که مشمول رفتار انجام فعالیت اقتصادی باشد - مشمول جرم تأمین مالی تروریسم نمی‌شود. این در حالی است که مطابق گزارش «کارگروه ویژه اقدام مالی» که در خصوص تأمین مالی گروه تروریستی داعش در سال ۲۰۱۵ منتشر شده، برآورد می‌شود که داعش از میادین نفت و گاز واقع در غرب و شمال عراق و شرق سوریه، روزانه در حدود ۵۰/۰۰۰ بشکه نفت خام استخراج می‌کند که در محل‌های نزدیک به چاه‌های نفت، بخشی از آن‌ها به مردم محلی فروخته می‌شود و برخی نیز وارد شبکه تجارت جهانی می‌شود که ارزش یک کامیون نفت خام که در حدود ۱۵۰ بشکه حمل می‌کند، در حدود ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ دلار است (FATF Report, 2015: 15). همچنین است

بحث تجارت و خرید و فروش مواد مخدر در افغانستان که مطابق گزارش دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، کل مساحت تحت کشت خشخاش در افغانستان ۲۲۴/۰۰۰ هکتار برآورد می‌شود که اکثریت این مزارع، تحت کنترل و تصرف طالبان است (شمس ناتری و اسلامی، ۱۳۹۴: ۲۷۲). همچنین در حالی که برخی گروه‌های تروریستی مانند القاعده یا داعش از طریق قاچاق مواد مخدر، الماس و جواهرات، آثار باستانی و میراث فرهنگی، منابع مالی خود را تأمین می‌کنند، به نظر می‌رسد خرید این اموال از گروه‌های تروریستی و معامله با آن‌ها، از شمول رفتارهای مذکور در ماده ۱ خارج است.

همچنین ارائه خدمات مالی همچون خدمات اینترنتی به افراد تروریست، تأمین مالی تروریسم نیست؛ همان‌گونه که حمایت رسانه‌ای از افراد تروریست در قالب سرمایه‌گذاری برای تأسیس شبکه تلویزیونی یا پرداخت هزینه فعالیت آن جهت اطلاع‌رسانی اقدامات افراد تروریست نمی‌تواند مصداق تأمین مالی تروریسم باشد.

همچنین در حالی که از یک سو رواج ارزشهای مجازی همانند بیت کوین در جهان رو به افزایش است و خطر استفاده از آن‌ها از سوی کارگروه ویژه اقدام مالی مورد تأکید قرار گرفته است (Methodology for Assessing Technical Compliance..., 2020: 8) و از سوی دیگر، وضعیت حقوقی ارزشهای مجازی و معامله آن‌ها در نظام حقوقی ایران مبهم است و تعریف ارائه‌شده از «وجوه» در آیین‌نامه اجرایی قانون، صراحت در شمول آن نسبت به ارزشهای مجازی ندارد. بعید به نظر می‌رسد که تأمین مالی تروریست‌ها از این طریق جرم محسوب شود (برای آگاهی بیشتر ر.ک: خلیلی پاچی، ۱۳۹۶: ۱۳). البته چنانچه شخصی با تبدیل ارز مجازی، اقدام به خرید یا تهیه اموال مانند اسلحه، مواد منفجره، مهمات، اتومبیل، خانه و... برای افراد تروریست کند، اطلاق وصف مجرمانه تأمین مالی تروریسم به رفتار وی، دور از ذهن نیست.

ماهیت پنج رفتار فیزیکی مذکور در ماده ۱ قانون، مبتنی بر فعل است و همواره به صورت مثبت قابل تحقق است. افزون بر آن از حیث آنی یا مستمر بودن رفتارها نیز باید گفت که به نظر می‌رسد «تهیه»، «مصرف» و «تأمین اعتبار»، در زمره رفتارهایی هستند که در یک آن از زمان تحقق پیدا می‌کنند. معیار این تقسیم‌بندی، زمان مورد نیاز جهت ارتکاب جرم است. چنانچه جرم در یک آن تحقق پیدا کند، جرم مذکور آنی

است؛ اما اگر بقاء زمانی رفتار مجرمانه و تداوم آن در زمان ضرورت داشته باشد، جرم ارتكابی، جرم مستمر خواهد بود و همان گونه که برخی نویسندگان بیان داشته‌اند، معیار در تشخیص تحقق یا عدم تحقق استمرار نیز عرف است (الهام و برهانی، ۱۴۰۰: ۱/۲۶۰).
براین اساس، دو رفتار دیگر مربوط به جرم تأمین مالی تروریسم (جمع‌آوری، انجام فعالیت اقتصادی) مستمر محسوب می‌شوند.

از حیث ساده، مرکب یا به عادت بودن نیز جرم ساده جرمی است که رفتار مجرمانه آن از بخش‌های مختلفی تشکیل نشده و با یک فعل یا ترک فعل محقق می‌شود (اردبیلی، ۱۴۰۰: ۱/۱۴۴). بر این اساس باید گفت که تمامی رفتارهای مذکور در ماده ۱ ساده هستند. این نکته از منطوق تبصره ۱ ماده ۱ این قانون قابل استنباط است که بیان می‌دارد: «هر شخصی که وجوه یا اموالی را با اهداف مذکور در صدر این ماده تهیه یا جمع‌آوری نماید و قبل از مصرف یا استفاده یا ارائه به افراد یا سازمان‌های تروریستی، به واسطه عامل خارج از اراده وی، قصدش معلق بماند، نیز تأمین‌کننده مالی تروریسم محسوب می‌شود».

مفاد این تبصره گویای آن است که صرف تهیه و جمع‌آوری وجوه و اموال توأم با عنصر روانی لازم برای انتساب جرم تأمین مالی تروریسم به مرتکب کافی است و نیازی به ارائه آن‌ها نیست. بدیهی است چنانچه شخصی افزون بر جمع‌آوری وجوه یا اموال، آن‌ها را در اختیار افراد تروریست قرار دهد، همان جرم تام تأمین مالی تروریسم را مرتکب شده است. به دیگر سخن، مطابق با تبصره ۱، ارتکاب هر یک از پنج رفتار به همراه سوءنیت عام و خاص لازم برای تحقق این جرم کافی است و ضرورت ندارد که هر یک از این پنج رفتار با رفتار فیزیکی «ارائه» توأمان شود؛ چون در غیر این صورت باید قائل به این شد که جرم تأمین مالی تروریسم، جرمی است مرکب که با منطوق و تصریح تبصره ۱ ماده ۱ در تضاد آشکار قرار دارد.

۲-۲. موضوع جرم

مقصود از موضوع جرم، امری است که رفتار فیزیکی مرتکب بر آن یا در قبال آن انجام می‌شود. به دیگر سخن، متعلق رفتار فیزیکی، همان موضوع جرم است. در جرم

تأمین مالی تروریسم نیز بر حسب تصریح قانون‌گذار، «وجوه»، «اموال» و «منابع مالی»، موضوع جرم خواهند بود. به دیگر سخن، رفتارها عمدتاً بر روی وجوه و اموال و منابع مالی ارتکاب می‌یابند.

در ماده ۱ کنوانسیون و همچنین در قانون ایالات متحده آمریکا، وجوه به معنای «هر نوع دارایی اعم از ملموس/محموس یا غیر ملموس/غیر محسوس، منقول یا غیر منقول به هر نحو که تحصیل شده باشد و همچنین هر نوع اسناد یا ابزار قانونی به هر شکلی، از جمله الکترونیکی یا دیجیتالی که مثبت مالکیت یا نفعی باشد و همچنین سکه، ارز، اعتبارات بانکی، چک مسافرتی، چک بانکی، حواله، سهام، اوراق بهادار، اوراق قرضه، پیش‌نویس و اعتبار اسنادی» تعریف شده است.

در بند ت ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم که در سال ۱۳۹۶ به تصویب هیئت وزیران رسیده است، «وجوه» این‌گونه تعریف شده است:

«هر گونه مسکوک و اسکناس و انواع چک‌هایی که نقل و انتقال آن‌ها مستند نشده و غیر قابل ردیابی باشد؛ از قبیل چک‌های عادی در وجه حامل و سایر چک‌هایی که دارنده آن غیر ذی‌نفع اولیه باشد (از قبیل چک‌های پشت‌نویس شده توسط اشخاص ثالث، انواع چک پول و چک مسافرتی) و کارت‌های پرداخت بی‌نام. وجوه شامل وجوه نقد ریالی و ارزی می‌باشد».

مقصود از مال نیز هر چیزی است که عرفاً قابلیت تبدیل به وجه نقد را داشته باشد که این مورد می‌تواند اعم از مال منقول یا غیر منقول باشد که در مواد ۱۱ تا ۲۲ قانون مدنی به تفصیل در این خصوص بحث شده و بند ب ماده ۱ قانون مبارزه با پولشویی -اصلاحی ۱۳۹۷- مال را به این نحو تعریف می‌کند:

«هر نوع دارایی اعم از مادی یا غیر مادی، منقول یا غیر منقول، مشروع یا غیر مشروع و هر نوع منفعت یا امتیاز مالی و همچنین کلیه اسناد مبین حق اعم از کاغذی یا الکترونیکی نظیر اسناد تجاری، سهام یا اوراق بهادار».

بدیهی است که عدم مالیت شرعی یا قانونی مال نیز تأثیری در زوال وصف مجرمانه از رفتار ارتكابی مرتکب ندارد؛ چون در غیر این صورت، تالی فاسدی را به همراه دارد و آن هم این خواهد بود که مرتکب تنها در صورت تهیه و جمع‌آوری اموالی که مالیت

قانونی و شرعی دارند، محکوم خواهد شد و برای نمونه در صورت تهیه سلاح غیر مجاز و مهمات یا مواد منفجره، مشمول جرم موضوع این ماده قرار نخواهد گرفت؛ به ویژه اینکه در تعریف مال که در قانون مبارزه با پولشویی آمده، مال اعم از مشروع و غیر مشروع است. بر این اساس می‌توان گفت که تهیه و جمع‌آوری هر گونه وجه نقد اعم از اسکناس یا مسکوکات رایج داخلی یا ارز خارجی، سکه‌های بهار آزادی، کارت‌های اعتباری، چک یا مال اعم از منقول یا غیر منقول مانند خودرو، منزل مسکونی، سلاح و مواد منفجره، مرتکب را مشمول جرم موضوع این ماده قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد از آنجا که منفعت نیز به نوعی مال است و به تصریح ماده ۲۹ قانون مدنی می‌تواند متعلق مالکیت قرار گیرد و حتی به تصریح بند ب ماده ۱ قانون مبارزه با پولشویی -اصلاحی ۱۳۹۷-، منفعت مالی صراحتاً مال محسوب شده است، اگر کسی خودرو یا منزلش را به افراد تروریست اجاره بدهد، رفتار ارتكابی وی مصداق «تهیه» مال و مشمول جرم تأمین مالی است. به علاوه، منابع مالی حاصل از قاچاق کالا و ارز، جلب کمک‌های مالی و پولی، انتقال پول، خرید و فروش اوراق مالی و اعتباری و افتتاح حساب، موضوعات دیگر جرم تأمین مالی تروریسم هستند که در پیوند با رفتار «مصرف» محقق می‌شوند. با عنایت به مطالب پیش‌گفته مشخص می‌گردد که ارائه «خدمات مالی» به افراد تروریست، حتی اگر توأم با سوءنیت و به قصد ارتکاب اعمال تروریستی باشد، تحت عنوان تأمین مالی تروریسم قابل پیگیری نیست. به رغم آنکه «خدمات» در هیچ یک از قوانین و مقررات لازم‌الاجرا در نظام حقوقی ایران تعریف نشده است، اما به نظر می‌رسد که مقصود از آن، ارائه هر گونه تسهیلات و منفعتی است که جنبه عینی و مادی ندارد. در واقع مفهوم خدمات در مقابل مفهوم کالا قرار می‌گیرد. برخی نویسندگان، خدمات را شامل سرویسی می‌دانند که یک طرف به طرف دیگر ارائه می‌کند و به طور معمول در تعاملات میان مشتری و کارکنان یا سیستم‌های عرضه‌کننده صورت می‌گیرد (رستمی، ۱۳۹۸: ۶۵). ارائه خدمات مشاوره حقوقی یا درمانی، خدمات اینترنتی، بانکی، درمانی، حمل و نقل و کنسولی به شهروندان و همچنین ارائه خدمات آب، برق، گاز و

۱. در بند ب ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، کالا این گونه تعریف شده است: «هر شیء که در عرف، ارزش اقتصادی دارد».

تلفن و...، همگی مصادیق خدمات هستند. لذا اگر پزشکی با علم به تروریست بودن افرادی، اقدام به مداوای آن‌ها کند و به نوعی خدمات پزشکی به آن‌ها ارائه بدهد، رفتار وی تأمین مالی تروریسم محسوب نمی‌شود.

اما در خصوص امتیازات مالی مانند حق بیمه، حق سرقفلی، کارت‌های بازرگانی^۱ باید گفت که از یک‌سو امتیاز مالی در بند ب ماده ۱ قانون مبارزه با پولشویی -اصلاحی ۱۳۹۷- به عنوان مصداقی از مال بیان شده است، اما از سوی دیگر، این مورد صراحتاً به عنوان موضوع جرم در قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم پیش‌بینی نشده است و مهم‌تر آنکه رفتار فیزیکی مرتبط با آن نیز پیش‌بینی نشده است. بر این اساس به نظر می‌رسد «امتیاز» مالی نمی‌تواند جزء موضوعات جرم تأمین مالی تروریسم قرار گیرد؛ مگر آنکه امتیاز مالی در زمره دارایی قرار گیرد و مصداق یکی از رفتارهای فیزیکی تبیین شده در این قانون همچون تأمین اعتبار باشد؛ مانند آنکه تاجری کارت بازرگانی تجاری خود را در اختیار فرد تروریستی قرار دهد تا وی بتواند از تسهیلات بانکی بهره‌مند شود.

بر این اساس می‌توان گفت که در این قانون، ارائه خدمات و امتیازات مالی جرم محسوب نشده است. این در حالی است که قسمت ۴ بند ۱ قطعنامه ۱۳۷۳ موضوع نشست ۴۳۸۵ شورای امنیت مصوب ۲۰۰۱، افزون بر «وجوه»،^۲ «دارایی‌های مالی»،^۳ «منابع اقتصادی»،^۴ و دیگر خدمات مرتبط را به این شرح به عنوان موضوع جرم بیان می‌کند:

«تمامی دولت‌های عضو باید اتباع خود یا هر شخص مقیم در قلمرو خود را از ارائه مستقیم یا غیر مستقیم هر گونه وجوه یا دارایی‌های مالی یا منابع اقتصادی یا خدمات مالی یا سایر خدمات مرتبط به نفع اشخاصی که مبادرت به اعمال تروریستی یا شروع به ارتکاب آن می‌کنند یا وقوع آن را تسهیل یا در انجام آن مشارکت می‌کنند یا به نفع

۱. مطابق ماده ۳ قانون مقررات صادرات و واردات مصوب ۱۳۷۲: «مبادرت به امر صادرات و واردات کالا به صورت تجاری، مستلزم داشتن کارت بازرگانی است که توسط اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران صادر و به تأیید وزارت بازرگانی می‌رسد».

2. Funds.
3. Financial assets.
4. Economic resources.
5. Financial services.

مؤسساتی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم متعلق به این اشخاص یا تحت کنترل آن‌ها هستند یا به نفع اشخاص یا نهادهایی که از طرف یا تحت مدیریت آن‌ها فعالیت می‌کنند، منع کنند» (United Nations, Security Council, S/RES/1373/2001).

۳-۲. نتیجه مجرمانه

جرایم از حیث وابستگی یا عدم وابستگی به نتیجه، به مطلق و مقید تقسیم می‌شوند. در واقع برای تحقق یک جرم، هر چند بروز یک فعل یا ترک فعل همواره شرط است، اما در پاره‌ای جرایم، افزون بر فعل ارتكابی، قانون‌گذار صراحتاً یا ضمناً مقرر می‌دارد که باید از رهگذر و در نتیجه رفتار ارتكابی، نتیجه‌ای نیز حاصل شود که به این جرایم، وصف جرایم مقید داده می‌شود که نقطه مقابل جرایم مطلق هستند. مطلق از واژه «طلق» به معنای آزاد و رهاست و در اصطلاح حقوقی به معنای آن است که تحقق جرایم مطلق از قید و بند نتیجه رها هستند و صرف ارتكاب رفتار مجرمانه برای تحقق جرم و انتساب آن به مجرم کفایت می‌کند.

تأمین مالی تروریسم در زمره جرایم مطلق است؛ به این معنا که صرف تهیه یا جمع‌آوری، مصرف، تأمین اعتبار و انجام فعالیت اقتصادی برای انتساب جرم به مرتکب کفایت می‌کند و ارتكاب اعمال تروریستی یا ارائه وجوه و اموال به آن‌ها ضرورت ندارد. در واقع دو واژه «برای» و «جهت» در ماده ۱ قانون به معنای قصد تأمین‌کننده مالی است. افزون بر این استدلال، مفاد تبصره ۱ ماده ۱ الحاقی به قانون، مؤید آن است که صرف تهیه و جمع‌آوری وجوه حتی اگر منجر به ارائه به افراد تروریست نیز نشود، همچنان عنوان مجرمانه تأمین مالی تروریسم را دارد.

در این راستا، بند ۳ ماده ۲ کنوانسیون به این نکته اشاره می‌کند که لازم نیست وجوه تحصیل‌شده، در عمل جهت ارتكاب جرایم مذکور در بندهای الف و ب ماده ۱ مورد استفاده قرار گیرد (Gottselig & Gleason, 2003: 9).

۴-۲. شروع به جرم تأمین مالی تروریسم

جایگاه بحث از شروع به جرم در قسمت عنصر مادی است؛ چرا که شخص مرتکب با قصد ارتكاب جرم تام، گام در مرحله عملیات اجرایی می‌گذارد؛ اما بنا به دلایلی خارج

از اراده وی، ارتکاب جرم ناتمام می‌ماند. بر این اساس می‌توان گفت که «شروع به عملیات اجرایی» و همچنین «عدم انصراف ارادی»، دو جزء از مفهوم شروع به جرم است.

شروع به جرم این گونه محقق می‌شود که مرتکب وارد قلمرو عملیات اجرایی جرم شود، ولی بر اثر شرایطی مستقل از اراده وی، به پایان رساندن جرم معلق مانده و به نتیجه نرسد و جرم ناتمام باقی بماند. در این راستا، ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد:

«هر کس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن نماید، لکن به واسطه عامل خارج از اراده او، قصدش معلق بماند...».

بر این اساس می‌توان گفت که شروع به جرم از دو جزء ایجابی و سلبی تشکیل شده است: ورود به عملیات اجرایی، جزئی ایجابی و عدم انصراف ارادی، بخشی سلبی از برنامه شروع به جرم است (الهام و برهانی، ۱۴۰۰: ۲۴۳/۱).

در خصوص جرم تأمین مالی تروریسم هم مقررات شروع به جرم، مطابق قاعده عمومی مذکور در ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی است. در این راستا، تبصره ۲ ماده ۱ قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم اظهار می‌دارد:

«هر گاه شخصی قصد ارتکاب جرم موضوع این ماده را داشته باشد و شروع به اجرای آن نماید، لکن به واسطه عامل خارج از اراده وی، قصدش معلق بماند، مشمول ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی می‌شود».

برخی از نویسندگان بیان می‌دارند:

«در تبصره ۱ ماده ۱ قانون، اشاره به جرم عقیم شده است، آن هم به دلیل خارج از اراده که حکم آن مباشرت تام (جرم تام) است؛ ولی تبصره ۲ حاکی از انصراف ارادی است و مشمول ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ خواهد بود» (دبیرزاده، حاجی ده‌آبادی و پوربافرانی، ۱۳۹۹: ۴۵).

در واقع می‌توان گفت که هر دو جمله نادرست است؛ چرا که تبصره ۱ ارتباطی با مفهوم جرم عقیم ندارد و در مقام رفع این ابهام است که جرم تأمین مالی تروریسم در زمره جرایم مرکب نیست. افزون بر آن، تبصره ۲ به صراحت بحث از انصراف غیر ارادی دارد که از ارکان اساسی مفهوم شروع به جرم است. بنابراین می‌توان گفت چنانچه

شخصی به قصد تأمین مالی یک گروه تروریستی، اقدام به رایزنی و برگزاری جلسات توجیهی و مفصل با چندین نفر برای جلب کمک مالی کند و پیش از دریافت آن اموال یا وجوه دستگیر شود، تحت عنوان شروع به ارتکاب تأمین مالی تروریسم قابل تعقیب است.

البته یک نکته در بحث تمایز «اعمال مقدماتی» از «عملیات اجرایی» قابل ذکر است. از یک سو در تأمین مالی تروریسم، شیوه تهیه و جمع‌آوری وجوه و منشأ قانونی یا غیر قانونی بودن آن در تحقق یا عدم تحقق این جرم بی‌تأثیر است و از سوی دیگر در تفکیک «اعمال مقدماتی» از «مرحله عملیات اجرایی» باید تنها آن دسته از اعمالی را مصداق شروع به جرم دانست که افزون بر آنکه در تعریف قانونی جرم می‌گنجد و ارتباط نزدیک و بی‌واسطه‌ای با مرحله نهایی جرم دارند، به روشنی گویای قصد مجرمانه مرتکب‌اند (نظریه ترکیبی). بنابراین از آنجا که تهیه و جمع‌آوری وجه از طریق جلب کمک‌های مالی، فی‌نفسه جنبه مجرمانه ندارد و قصد مرتکب در تعیین جرم محسوب شدن یا نشدن آن تأثیرگذار است، لذا در تمایز این دو مفهوم، مقام قضایی باید با دقت فراوانی اوضاع و احوال و جزئیات پرونده را مورد کنکاش قرار دهد و در صورت تردید در این خصوص، به اقتضای اصل برائت، حکم بر برائت صادر کند.

به دیگر سخن، یکی از تفاوت‌های مهم دو جرم تأمین مالی تروریسم و پولشویی، به منابع مالی این دو جرم باز می‌گردد؛ با این توضیح که منبع مالی تروریسم ممکن است قانونی یا غیر قانونی یا تلفیقی از دو منبع قانونی و غیر قانونی باشد، در حالی که مأخذ و منشأ درآمدهای مربوط به پولشویی ضرورتاً نامشروع و ناشی از اعمال مجرمانه است. از این رو می‌توان بیان داشت که در پولشویی ضرورتاً مبدأ منابع مالی، و در تأمین مالی مقصد منابع مالی نامشروع است (شمس‌ناتری و اسلامی، ۱۳۹۴: ۲۶۵). به عبارت دیگر، تأمین مالی تروریسم با جمع‌آوری منابع مالی آغاز و با توزیع آن در میان افراد تروریست خاتمه می‌یابد (Tofangsaz, 2015: 129). شاید به همین دلیل است که قانون‌گذار در این قانون بر خلاف تبصره ۱ ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی -اصلاحی ۱۳۹۷- فرض مجرمیت برای عملیات مشکوک را نپذیرفته و در ماده ۱۴ صرفاً به گزارش عملیات مشکوک به تأمین مالی تروریسم اشاره کرده است.

۳. قصد مجرمانه

عنصر روانی، خواست و اراده مرتکب در ارتکاب رفتار و گاه قصد وی برای تحقق نتیجه خاص یا علم به تحقق آن - در جرایم عمدی - و خطای کیفی - در جرایم غیر عمدی - است.

در بررسی اجزاء و ارکان عنصر روانی جرایم عمدی باید سه موضوع علم به موضوع جرم و حکم قانونی، اراده ارتکاب رفتار مجرمانه و در مواردی سوءنیت خاص مورد بررسی قرار گیرد. در همین راستا، ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد:

«در تحقق جرایم عمدی، علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد. در جرایمی که وقوع آن‌ها بر اساس قانون، منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود».

۳-۱. علم مرتکب به تروریستی بودن فرد یا گروه

جرم تأمین مالی تروریسم در زمره جرایم عمدی است. افزون بر این استدلال که اصل بر عمدی بودن جرایم است و حقوق جزا عمدتاً رفتارهای عامدانه را جرم‌انگاری و کیفرگذاری می‌کند، ماده ۱ این قانون تا پیش از اصلاح در سال ۱۳۹۷، وجود قید «عالمماً عامداً» را در متن ماده پیش‌بینی کرده بود و این گونه بیان می‌داشت:

«تهیه و جمع‌آوری عالمماً عامداً وجوه و اموال به هر طریق، چه دارای منشأ قانونی باشد یا نباشد... تأمین مالی تروریسم بوده و جرم محسوب می‌شود».

به نظر می‌رسد که علت حذف این دو قید در اصلاحات سال ۱۳۹۷ از سوی قانون‌گذار، غلبه اماره مجرمیت بر فرض برائت است که در قلمرو جرایم علیه امنیت معمولاً از سوی قانون‌گذار مورد استفاده قرار می‌گیرد. از آنجا که اصل بر عمدی بودن جرایم است و جرم‌انگاری رفتارهای غیر عمدی استثناست، می‌توان گفت که پیام حذف این دو قید، مفروض دانستن علم مرتکب به موضوع جرم و حکم قانونی از یک سو و غیر قابل تصور بودن ارتکاب این جرم به طریق غیر عمدی است. به دیگر سخن، قانون‌گذار این گونه فرض کرده که اگر کسی منابع مالی را در اختیار فرد یا گروهی قرار دهد که این فرد یا گروه بعداً مرتکب یکی از جرایم تروریستی شوند، علم شخص نخست به تروریست بودن

این افراد یا گروه‌ها مفروض است و اثبات خلاف آن بر عهده مدعی عدم علم است. در واقع به نظر می‌رسد که علم حامی مالی به تروریستی بودن گروه از جمله امارات قانونی نسبی است که البته خلاف آن از سوی مظنون یا متهم قابل اثبات است.

این در حالی است که در ماده ۲ کنوانسیون، به ضرورت احراز قصد مرتکب یا علم وی به اینکه وجوه و عواید تحصیل شده، صرف ارتکاب اعمال تروریستی شود، تأکید شده است. بسیاری از نظام‌های حقوقی نیز قصد تبعی را به مثابه عمد می‌پذیرند؛ با این تفسیر که اگر مرتکب پیش‌بینی کرده یا می‌توانست پیش‌بینی کند یا باید پیش‌بینی می‌کرد که اقدامات تروریستی در نتیجه جمع‌آوری و ارائه وجوه و اموال از سوی وی اتفاق می‌افتد و با وجود این، چنین کاری را انجام دهد، برای اثبات سوءنیت وی کافی است (Gottselig & Gleason, 2003: 52). در نظام حقوقی استرالیا، نوعی «بی‌پروایی / بی‌احتیاطی»^۱ برای تحقق رکن معنوی این جرم کافی است. در این کشور، تأمین مالی تروریسم چنین تعریف شده است: فراهم کردن یا جمع‌آوری وجوه توأم با بی‌پروایی که این وجوه در جهت تسهیل یا کاربرد در اعمال تروریستی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.^۲ مطابق مجموعه قوانین کیفری استرالیا مصوب ۱۹۹۵، بی‌پروا کسی است که الف- از وجود خطر اساسی در نتیجه رفتار ارتكابی مطلع است، و ب- با در نظر گرفتن شرایطی که او از آن آگاه است، پذیرفتن آن خطر غیر قابل توجیه است. همچنین مجموعه «روش‌شناسی ارزیابی مطابقت با معیارهای ضد پولشویی و مقابله با تأمین مالی تروریسم»^۳ که از سوی نهاد بین‌المللی «کارگروه ویژه اقدام مالی» در سال ۲۰۱۳ تنظیم شده و در سال ۲۰۲۰ با عنوان «روش‌شناسی ارزیابی مطابقت فنی با توصیه‌های کارگروه ویژه اقدام مالی و اثربخشی سیستم‌های ضد پولشویی و مقابله با تأمین مالی تروریسم»^۴

1. Reckless.
2. Criminal Code Act 1995, Section 103.1, added to the Criminal Code by the Suppression of the Financing of Terrorism Act 2002.
3. The Methodology for Assessing Compliance with Anti-Money Laundering and Combating the Financing of Terrorism Standard.
4. Methodology for Assessing Technical Compliance with the FATF Recommendations and the Effectiveness of Anti-Money Laundering and Combating the Financing of Terrorism Systems.

روزآمد شده است، بیان می‌دارد:

«رفتار کلیه کسانی که "آگاهانه"^۱ در فعالیت‌های مرتبط با تأمین مالی مشارکت می‌کنند، باید جرم محسوب شود. قوانین کشورها باید به گونه‌ای تدوین شود که عنصر معنوی جرم تأمین مالی تروریسم، از شرایط واقعی عینی قابل استنتاج باشد».

به نظر می‌رسد تأکید بر عبارت «شرایط واقعی عینی»^۲ به منظور جلوگیری از خودسری مقامات قضایی و برای ضابطه‌مند کردن اثبات عنصر روانی این جرم است. همچنین اثبات علم مرتکب به جرم بودن کمک مالی به افراد تروریست نیز لازم نیست؛ چون ماده ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی، جهل به حکم را تنها در دو فرض مانع از مجازات می‌داند که هر دو مورد در این فرض منتفی است.^۳ در واقع در جرم تأمین مالی تروریسم آنچه مهم است، علم مرتکب به ماهیت تروریستی فرد یا گروهی است که وجه یا مالی را در اختیارش قرار می‌دهد و در صورت اثبات جهل وی باید حکم به برائتش صادر شود. توجه به این موضوع می‌تواند مرز میان فعالیت‌های قانونی و غیر قانونی را آشکار سازد؛ چرا که تأمین مالی تروریسم در مراحل ابتدایی، هیچ گونه تمایزی با فعالیت‌های قانونی و حتی خیرخواهانه ندارد؛ چون این جرم در مقصد و نقطه عزیمت، جنبه مجرمانه خود را نشان می‌دهد. در واقع با تأکید بر حوزه عنصر روانی و علم و قصد مجرمانه می‌توان مرز میان فعالیت‌های مجاز و مولد مانند «تأمین مالی جمعی»^۴ با فعالیت‌های مجرمانه‌ای مانند تأمین مالی تروریسم را مشخص کرد. تأمین مالی جمعی یکی از جدیدترین روش‌های حمایت مالی از کسب و کارهای نوین است که با دعوت از مردم برای مشارکت در تأمین سرمایه یک پروژه یا رویداد به خصوص محقق می‌شود. به دیگر سخن، تأمین مالی جمعی، تحصیل سرمایه مورد نیاز یک پروژه یا بنگاه اقتصادی از گروه بزرگی از افراد به جای بانک است (عسگری مروت و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۱). با این توضیح ممکن است منابع مالی جمع‌آوری شده به منظور تأمین سرمایه‌گذاری یک ایده خلاقانه، صرف تغذیه و تأمین

1. Knowingly.

2. Objective factual circumstances.

۳. «ماده ۱۵۵: جهل به حکم، مانع از مجازات مرتکب نیست؛ مگر اینکه تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود».

4. Crowd-funding.

مالی گروه‌های تروریستی شود. بر این اساس، راه مطمئن حمایت از کسب و کارهای نوپا و رشد و شکوفایی اقتصادی، ردیابی منابع مالی تحصیل شده است.

۲-۳. اراده ارتکاب (سوء نیت عام)

موضوع حقوق جزا رفتارهای ارادی است؛ یعنی هرآنچه محصول خواست و میل مرتکب باشد. بنابراین رفتارهای غیر ارادی هیچ‌گاه مورد مؤاخذه و بازخواست قرار نمی‌گیرند. جرم تأمین مالی تروریسم نیز از این قاعده مستثنا نیست. در واقع هرچند تصور غیر ارادی بودن کمک مالی به تروریست‌ها بسیار دشوار است، اما به لحاظ نظری، تأکید بر ارادی بودن جرم تأمین مالی تروریسم ضروری است.

۳-۳. سوء نیت خاص

همان‌گونه که در بخش نخست مقاله بیان شد، جرم تأمین مالی تروریسم در زمره جرایم مطلق است؛ با این توضیح که صرف تهیه و جمع‌آوری وجوه و منابع مالی برای افراد یا گروه‌های تروریستی جرم است، فارغ از آنکه در زمان دستگیری مرتکب، تروریست‌ها به کمک این منابع، اعمال تروریستی را انجام داده یا آنکه هنوز موفق به انجام آن نشده باشند. همچنین عبارات «برای انجام اعمال زیر» یا «جهت ارائه به افراد تروریست»، ارتباطی با رکن مادی این جرم نداشته و مربوط به عنصر روانی می‌شود. بر این اساس باید بیان داشت که جرم تأمین مالی تروریسم همانند جرم نشر اکاذیب موضوع ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی، در زمره جرایم مطلق است که نیاز به سوء نیت خاص دارد.

نکته پایانی آنکه قانون در قسمت اخیر ماده ۱ و همچنین تبصره ۴ ماده ۱، به نقش شورای عالی امنیت ملی در تعیین مصادیق اعمال، افراد، گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی موضوع این قانون با لحاظ اصل ۱۵۴ قانون اساسی^۱ اشاره می‌کند. در

۱. «اصل ۱۵۴ [قانون اساسی]: جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند».

صورت تشخیص شورای عالی امنیت ملی مبنی بر تروریستی بودن یک گروه نظامی، کمک به آن‌ها و تأمین مالی آن‌ها اساساً جرم نخواهد بود. با وجود این، مشخص نیست که مراجع قضایی باید پیش از تصمیم‌گیری نهایی در دادسرا یا صدور حکم از دادگاه، در خصوص هر مورد، نظر شورای عالی امنیت ملی را در این خصوص استعلام کنند یا چنین الزامی وجود ندارد. در روزهای اخیر که گروه طالبان با تصرف کامل کشور افغانستان بر این کشور سیطره پیدا کرده است، نقش شورای عالی امنیت ملی در تعیین تروریستی بودن یا نبودن این گروه بیش از پیش آشکار می‌شود. البته در صورت تشخیص شورای عالی امنیت ملی مبنی بر تروریستی نبودن یک گروه یا اعمال ارتكابی، مرجع قضایی در دادسرا باید قرار منع تعقیب، و دادگاه باید حکم به برائت صادر کند. ایراد وارد در این خصوص آن است که تشخیص مجرمانه یا غیر مجرمانه بودن عمل، به تشخیص یک نهاد غیر قضایی واگذار شده است و حتی نظر این مرجع فراتر از نظر کارشناس، جنبه الزام‌آور برای دادگاه دارد و در صورت تشخیص تروریستی بودن عمل یا تروریست بودن فرد یا گروه، این نظر از سوی متهم قابل اعتراض نیست.

پیش‌بینی چنین جایگاهی برای یک نهاد غیر قضایی و امنیتی را می‌توان حاصل سیطره سیاست جنایی امنیت‌گرا بر قانون دانست. در واقع یکی از نشانه‌های امنیت‌گرایی، تفوق قوه مجریه بر سایر قواست (حاجی ده‌آبادی و خاتمی، ۱۳۹۷: ۵۹). در این راستا می‌توان گفت که یکی از معذوریت‌های جمهوری اسلامی ایران برای پیوستن به کنوانسیون، ماده ۶ است (عارفی، ۱۳۹۶: ۵۵). مطابق ماده ۶، دولت‌های عضو نباید هیچ‌گونه ملاحظه سیاسی، فلسفی، ایدئولوژیک، نژادی، اخلاقی، مذهبی و... را در مقام توجیه این جرم در قوانین داخلی پیش‌بینی کنند.

نتیجه‌گیری

منابع مالی مانند اکسیژن برای گروه‌های تروریستی است و حمایت مالی از تروریسم به عنوان موتور محرکه و نبض حیات گروه‌های تروریستی است. بر این اساس، مجموعه‌ای از اقدامات همچون جرم‌انگاری و تدابیر پیشگیرانه مانند ردیابی و توزیع منابع مالی می‌تواند نقش مؤثری در کاهش اقدامات تروریستی داشته باشد.

قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی در حوزه جرم‌انگاری، پنج رفتار را به عنوان تأمین مالی پیش‌بینی کرده که از یک سو در مقام مقایسه با کنوانسیون و نظام حقوقی آمریکا و استرالیا متنوع‌تر، و از سوی دیگر به دلیل عدم ارائه تعریفی دقیق از عبارات «مصرف» و «فعالیت اقتصادی» واجد ابهام است. هرچند می‌توان گفت که پیش‌بینی مستقل «مصرف»، بیانگر اراده قانون‌گذار برای کيفردهی به تمامی افرادی است که در زنجیره تأمین منابع مالی به افراد تروریست یاری می‌رسانند.

در خصوص رکن روانی این جرم نیز می‌توان گفت که از رهگذر مطالعات تطبیقی، سه رویکرد در این خصوص وجود دارد: ۱- ضرورت اثبات عمد یا علم (رویکرد کنوانسیون و نظام حقوقی آمریکا)، ۲- مفروض دانستن علم و عمد (رویکرد نظام حقوقی ایران)، ۳- پذیرش بی‌پروایی به عنوان رکن روانی جرم (نظام حقوقی استرالیا).

یافته‌های حاصل از تحلیل ارکان این جرم، گویای آن است که رفتارهای موضوع این قانون به صورت کُنشی و از طریق فعل قابل تحقق است. همچنین همه رفتارهای فیزیکی بیان‌شده در زمره رفتارهای ساده و مطلق است و بر حسب مورد، آنی یا مستمر قلمداد می‌شود. برای تحقق این جرم، افزون بر سوءنیت عام، قصد انجام اعمال تروریستی یا قصد ارائه به افراد یا گروه‌های تروریستی به عنوان سوءنیت خاص ضروری است.

عدم جرم‌انگاری مراودات مالی و تجاری با گروه‌های تروریستی یا تأمین مالی مؤسسات، نهادها و شرکت‌هایی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم، متعلق به افراد تروریست یا تحت کنترل آن‌ها هستند، نادیده گرفتن خدمات و امتیازات مالی به عنوان موضوع جرم، واگذاری تشخیص تروریستی بودن یک گروه یا عمل به شورای عالی امنیت ملی، از جمله ایراداتی است که ضرورت دارد در بازنگری قانون مورد توجه قرار گیرد. بازنگری تعریف «وجوه» در آیین‌نامه اجرایی قانون، به واسطه رشد ارزش‌های مجازی همچون بیت‌کوین نیز به منظور مقابله با تأمین مالی تروریسم اجتناب‌ناپذیر است.

کتاب‌شناسی

۱. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، چاپ شصت و پنجم، تهران، میزان، ۱۴۰۰ ش.
۲. اسفندیار، ایمان، مقابله با تأمین مالی تروریسم در حقوق کیفری ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا، دانشگاه مازندران، ۱۳۹۷ ش.
۳. اسلامی، داود، مقابله با حمایت مالی تروریسم در اسناد بین‌المللی و سیاست جنایی ایران، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، پردیس فارابی دانشگاه تهران، ۱۳۹۵ ش.
۴. الهام، غلامحسین، و محسن برهانی، درآمدی بر حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ ششم، تهران، میزان، ۱۴۰۰ ش.
۵. الهویی نظری، حمید، و امیر فامیل زوار جلالی، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌های تأمین‌کننده مالی تروریسم»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره چهل و هفتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۶ ش.
۶. بدخش، آزاده، تحلیل حقوقی جرم‌شناختی قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تفت، ۱۳۹۷ ش.
۷. جعفری، امین، و علی کشوری، «مبارزه با تأمین مالی تروریسم در نظام بانکی ایران»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی ابعاد حقوقی - جرم‌شناختی تروریسم، به کوشش حسنعلی مؤذن‌زادگان و بهزاد رضوی‌فرد، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۶ ش.
۸. حاتمی، عباس، و فاطمه رضایی، «تحلیل تطبیقی شیوه‌های تأمین منابع مالی القاعده و داعش: رهیافتی در اقتصاد سیاسی تروریسم»، دوفصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، دوره دوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ ش.
۹. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، و سعیده خاتمی، «سیاست جنایی ایران در قبال جرم تأمین مالی تروریسم در پرتو الزامات بین‌المللی»، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال پنجم، شماره ۳ (پیاپی ۱۷)، پاییز ۱۳۹۷ ش.
۱۰. خلیلی پاجی، عارف، «امکان‌سنجی تأمین مالی تروریسم در پرتو ارزش‌های مجازی»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی ابعاد حقوقی - جرم‌شناختی تروریسم، به کوشش حسنعلی مؤذن‌زادگان، بهزاد رضوی‌فرد، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۶ ش.
۱۱. دبیرزاده، حمیدرضا، احمد حاجی ده‌آبادی، و حسن پوربافرانی، «همگرایی و واگرایی مقررات مبارزه با تأمین مالی تروریسم در حقوق ایران، افغانستان و اسناد بین‌المللی»، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۱۵، نیمسال اول ۱۳۹۹ ش.
۱۲. رستمی، هادی، «کلاهبرداری رایانه‌ای؛ تأملی بر ارکان جرم و آثار آن»، دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، دوره شانزدهم، شماره ۱۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ ش.
۱۳. زارع قاجاری، فردوس، و علی قائم‌مقامی، استانداردهای بین‌المللی مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم (توصیه‌های چهل‌گانه کارگروه ویژه اقدام مالی)، زیر نظر عبدالمهدی ارجمندنژاد، تهران، تاش، ۱۳۹۲ ش.
۱۴. زرنشان، شهرام، و ریحانه زندی، مبارزه با تروریسم در حقوق بین‌الملل، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۹۹ ش.
۱۵. شمس ناتری، محمدابراهیم، و داود اسلامی، «ماهیت کیفری تأمین مالی تروریسم»، فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره دوم، شماره ۴-۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ ش.

۱۶. طیبی فرد، امیرحسین، «مبارزه با تأمین مالی تروریسم در اسناد بین‌المللی»، *مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران*، شماره ۳۲، ۱۳۸۴ ش.
۱۷. عارفی، مرتضی، «گفتمان سیاست جنایی تقنینی و اجرایی جمهوری اسلامی ایران در پرتو قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم»، *چکیده مقالات همایش بین‌المللی ابعاد حقوقی - جرم‌شناختی تروریسم*، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۶ ش.
۱۸. عسگری مروت، علی، حسن عالی‌پور، مینا مهرنوش، و مجتبی بهرامی گرو، «ایده‌های نوآورانه و اندیشه‌های مجرمانه: مرز تأمین مالی جمعی و تأمین مالی تروریسم»، *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، دوره نهم، شماره ۳۳، زمستان ۱۳۹۹ ش.
۱۹. مؤمنی، احمد، امیر جلالی، و داود صمدی، «تعهد دولت‌ها به مبارزه با تأمین مالی تروریسم و اقدامات جمهوری اسلامی ایران در راستای آن»، *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی ابعاد حقوقی - جرم‌شناختی تروریسم*، به کوشش حسنعلی مؤذن‌زادگان، بهزاد رضوی‌فرد، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۶ ش.

Books & Articles

20. Biersteker, Thomas J. & Sue E. Eckert, *Countering the Financing of Terrorism*, Routledge, 2007.
21. Freeman, Michael, *Financing Terrorism: Case Studies*, Routledge, 2017.
22. Gottselig, Glenn & Paul Gleason, *Suppressing the Financing of Terrorism: A Handbook for Legislative Drafting*, Legal Department, International monetary Fund, 2003.
23. Tofangsoz, Hamed, "Rethinking terrorist financing: where does all this lead?", *Journal of Money Laundering Control*, Vol. 18(1), 2015.

Documents, Conventions & Laws

24. FATF Report/Financing of the Terrorist Organization Islamic State in Iraq and the Levant, 2015.
25. International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism, 1999.
26. Methodology for Assessing Technical Compliance with the FATF Recommendations and the Effectiveness of Anti-Money Laundering and Combating the Financing of Terrorism Systems, 2020.
27. Suppression of the Financing of Terrorism Act 2002, Australia.
28. The Methodology for Assessing Compliance with Anti-Money Laundering and Combating the Financing of Terrorism Standard, 2013.
29. United Nations, Security Council, S/RES/1373/2001.